

قضای آسمان و

سرنوشت انسان*

«آسمان کشتی ارباب هنر می‌شکند» حافظ

هاشم رجب‌زاده

دانشگاه مطالعات خارجی اوساکا - ژاپن



دکتر هاشم رجب‌زاده

۳۴۸

اصطلاح «ناموس طبیعی» و «قانون طبیعت» که ژاپنی‌ها زیاد به کار می‌برند، می‌رساند که کار و حال آدمیان دستخوش نیرویی بی‌پروا از تعقل و عاملی بیگانه با قانون و منطق است. این عقیده با سخنانی مانند «رسم و راه آسمان»، «فرمان آسمان»، «سرنوشت»، و «قضای مقدر» بیان می‌شود، که همانا اشاره به گرفتار بودن انسان در ید قدرت خودکامه‌ای و رای حد و توان شناخت است.

دشوار می‌توان مردمی دیگر را در جهان پیشرفته یافت که به اندازه ژاپنی‌ها بکوشند تا آنچه را که برای جامعه یا فرد انسانی پیش می‌آید با تعبیرهایی مانند «تقدیر» یا «سرنوشت» توجیه کنند. تاریخ بشر شاهد طرز فکرها و توجیه‌های بسیار درباره حال و روز انسان و فرمان آسمان بوده است. قدرتمندان، به هر راه، از این زمینه فکری مردم برای نگهداشتن قدرت در دست خود و حکم راندن بر آنان بهره برده‌اند.

جبرگرایی ژاپنی‌ها دو گونه است؛ یکی تقدیرگرایی در معنی خاص و مضیق، و دیگر عقیده به سرنوشت یا قضای مقدر. از آنجا که عقیده به جبر همه پیشامدها را بار امید گردش چرخ و

* این نوشته، ترجمه بخشی است از کتاب «طرز فکر ژاپنی‌ها»، با مشخصات زیر:

بخت یا تقدیر می‌شناسد، زندگی آدمی را از پیش رقم‌زده می‌داند. این هر دو گونه جبرگرایی را می‌شود با اندیشه‌هایی همچون باور داشتن زندگی پیشین و حیات آتی، کارما Karma و قانون نسبی و جزا مرتبط دانست. این معانی در اصطلاح‌های «تن دوء» tendō (رسم و راه آسمان) و «تن می» Tenmei (فرمان آسمان)، که گاه به جای همدیگر به کار می‌رود، نهفته است.

عقیده جبری از هر نوع را قدرتمندان سده‌های میانه در ژاپن همچون سلاح روانی مؤثری به کار می‌بردند. در بیشتر متون تعلیمی طریقت رزمندگان (سامورایی)، شیوه اندیشه و رفتار در پیوند با «فرمان آسمان» و «رسم و راه آسمان» توضیح و تشریح می‌شد.

در نسخه نگاشته شده به سال ۱۶۶۷ کتاب «رفع شبهه و اصلاح یادداشتهای کوسونوکی هیوگو Kusunoki Hyōgo درجه‌بندی دقیق و تعریف زیر از تقدیر به دست داده شده است:

«کسی که درجات تقدیر را نشناسد، رزمنده راستین نیست. پنج تقدیر یا قضا در کار است: قضایا یا اراده آسمان، اراده انسان، اراده کیهان، اراده امور یا رویدادها (گردش کار)، و اراده منطق. آنجا که با وجود فرمانروا بودن مردی سلیم و فرزانه، باز کشور دستخوش فاجعه‌ای طبیعی مانند سیل یا خشکسالی می‌شود، یا آنگاه که زمامداری نابکار تا سالخوردگی می‌پاید، اراده آسمان در کار است. چون فرمانروایی بزرگمرد و صاحب فضیلت برآید، و زمامداری ناصالح سرنگون شود، اراده انسان حکومت دارد. هر گاه که کسی بی‌گناه و تقصیر دستخوش بد عهدی پیام و تیره روز و تباه شود، قضای کیهان در میان است. هر جا که از آدمی تقصیر و خطاهای ناگزیر سربرزند و بدین راه خود را تباه سازد، اراده امور یا قضای گردش کارها مایه آنست... اگر، به سبب قضای مقدر، همه فراز و فرودهای کار و زندگی آدمی بر وجه عقلائی باشد، این را اراده منطق نامند.»

مؤلف پس از این درجه بندی جامع، و در پایان کتاب خود، جانب جبر و تقدیر را می‌گیرد و می‌نویسد: «هیچ چیز بیرون از حیطه این پنج اراده نیست.» اما درباره رزمندگان، او کسانی را شایسته می‌داند که «خود را به اراده آسمان می‌سپارند و فضیلت و رذیلت را هرگز گول و فریب نمی‌دانند» و یادآور می‌شود که «آنان که در پی دلیری اند باید که نه قضای آسمان بلکه اراده انسان را ارج و وزن نهند، زیرا که ارزش دادن به قضای آسمان شر و نابکاریست.» این عقیده، قضا و قدری بودن مشروط است، رضا و تسلیم کامل انسان را به اراده آسمان نمی‌خواهد، و جایی برای برای گرداندن سرنوشت آدمی به مایه توان و تلاش خود او می‌گذارد.

در این رهگذر، در تقدیرگرایی طریقت رزمندگان، پیوند میان عروج و افول انسان و اخلاقیات در «هاگا کوره» Hōgākure (کتابی در آئین رزمندگان، تألیف یاماموتو تسونوته‌تومو Yamamoto Tsunetomo در سال ۱۷۱۶) مطرح است: «فضیلت و رذیلت مرد را نباید با فراز و فرود کار و حال او سنجید. عروج و افول رویدادهایی است به اراده آسمان؛ فضیلت و رذیلت

اموری است در اختیار انسان.»